نقشه سرقت از گردشگران خارجی در دست کارگر نمایشگاه

■ غلامرضا مسکنی

سارق سابقه‌داری که پس از آزادی از زندان با همدستی یکی از کارگران نمایشگاه بین‌المللی تهران نقشه سرقت از گردشگران خارجی را طراحی و اجرا می‌کرد، به دام افتاد.

بهمن ماه امسال به مأموران پلیس تهران خبر رسید یک تبعه خارجی که زن چینی است در جریان سرقت گوشی‌اش از سوی سارقان موتورسواری آسیب‌دیده و به بیمارستان منتقل شده‌است. با اعلام این خبر تیمی از مأموران راهی محل حادثه و تیمی دیگری برای تحقیق به بیمارستان رفتند.

■ **عکس سلفی**

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد زن چینی که همراه تعدادی گردشگر برای بازدید از نمایشگاه گردشگری به نمایشگاه بین‌المللی رفته‌بود، هنگام بیرون آمدن از نمایشگاه با یکی از همراهانش کنار اتوبوس مسافربری عکس سلفی می‌گرفته که دو سارق موتورسوار کیف‌های دستی و گوشی‌های دو تبعه خارجی را سرقت می‌کنند. همچنین مشخص شد در این حادثه زن چینی آسیب سطحی دیده و پس از درمان از بیمارستان مرخص شده‌است.

همراه وی در تحقیقات پلیسی گفت: «ما یک گروه چینی هستیم که فعالیت تجاری و اقتصادی زیادی در ایران داریم. امروز تصمیم گرفتیم از نمایشگاه صنایع‌دستی و گردشگری بازدید کنیم و همگی با اتوبوسی راهی نمایشگاه شدیم. ساعتی در نمایشگاه بودیم و بعد به طرف اتوبوس برگشتیم تا به محل کارمان برگردیم. من و همکارم تصمیم گرفتیم عکس سلفی بگیریم و در حال عکس گرفتن بودیم که موتورسیکلتی با دو سرنشین به ما نزدیک شدند و ابتدا تلفن همراه و کیف مرا قاپیدند و بعد هم کیف‌دستی همکارم را از دستش کشیدند که همکارم روی زمین افتاد و مصدوم شد. ما و همراهانمان شروع به داد و فریاد کردیم و تعدادی از شهروندان ایرانی هم سارقان را تعقیب کردند.»

■ **تصادف**

در شاخه دیگر از تحقیقات فنی، مأموران دریافتند پس از سرقت تعدادی از شهروندان ایرانی سارقان را تعقیب و سارقان هم به سرعت فرار می‌کنند، اما در جریان تعقیب و گریز موتورسیکلت آنها با پنج خودرو برخورد و به خودروها خسارتی وارد می‌کنند و در نهایت هم موتورسیکلت آنها واژگون می‌شود. پس از این حادثه، سارقان با جا گذاشتن موتورسیکلت‌شان با همدستی دو سرنشین موتورسیکلت دیگری که آنها اسکورت می‌کردند، موفق به فرار می‌شوند.

بدین ترتیب موتورسیکلت سارقان به اداره پلیس منتقل شد و بررسی پلاک آن مشخص شد موتورسیکلت متعلق به یکی از کارگران نمایشگاه بین‌المللی به نام وحید است.

■ **فریب خوردم**

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت، وحید را بازداشت و از وی بازجویی کردند.

وحید با اظهار پشیمانی به جرم خود اعتراف کرد و مدعی شد یکی از دوستان خلافکارش به نام پیام او را فریب داده‌است. وی گفت: «من هیچ سابقه‌ای ندارم و در نمایشگاه بین‌المللی کار می‌کردم. مدتی قبل پیام به سراغم آمد و پیشنهاد داد سرقت کنیم و گفت زود پولدار می‌شویم و من هم فریب خوردم.»

با اعتراف متهم مأموران پیام را هم بازداشت کردند و وی هم دو نفر از همدستانش را به پلیس معرفی کرد و مأموران هم همدستان وی را بازداشت کردند. متهمان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

■ **دلار می‌خواستم**

پیام مرد جوانی است که تعداد زیادی سابقه سرقت، کیف و موبایل‌قاپی در پرونده‌اش ثبت شده‌است. وی گفت وقتی از زندان آزاد شدم تصمیم گرفتم از تبعه‌های خارجی سرقت کنم، چون می‌دانستم آنها همراه خود دلار دارند.

پیام سابقه داری؟

بله، سابقه زیاد دارم.

چه سرقت می‌کردی؟

خیلی از سرقت‌ها را تجربه کرده‌ام. سرقت لوازم خودرو، کیف‌قاپی، موبایل‌قاپی، زورگیری و سرقت از منزل.

خسته نشدی این همه زندان رفتی و آزاد شدی؟

به هر حال وقتی سرقت کنی باید در انتظار دستگیری هم باشی. حالا دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد و یه جایی گیر می‌افتی، اما عادت می‌کنی و از طرفی هم وقتی سابقه‌دار شدی، کاری پیدا نمی‌کنی، مگر اینکه سرمایه‌دار باشی و با سرمایه خودت کار کنی و دنبال سرقت نروی.

آخرین بار چه زمانی از زندان آزاد شدی؟

آخرین بار چهار سال قبل زندان افتادم و قاضی مرا به سه سال زندان محکوم کرد. حدود یک سال قبل زندانی‌ام تمام شد و وقتی رد مال کردم، آزاد شدم.

چه سرقت کرده‌بودی که سه سال زندان بودی؟

موبایل‌قاپی و زورگیری در پرونده‌ام بود.

چه شد که پس از آزادی تصمیم گرفتی این‌بار از تبعه‌های خارجی سرقت کنی؟

واقعیتش وقتی آزاد شدم، مدتی دنبال سرقت نرفتم، اما ابتدا خودم تنهایی موبایل‌قاپی و کیف‌قاپی می‌کردم تا اینکه با دو نفر سارق سابقه‌دار هم آشنا شدم و گاهی هم باندی سرقت می‌کردیم. من هیچ تصمیمی برای کیف‌قاپی از تبعه‌های خارجی نداشتم، اما چندی قبل فهمیدم یکی از دوستان قدیمی‌ام به نام وحید در نمایشگاه بین‌المللی کار می‌کند. یک روز که به سراغش رفتم، دیدم افراد خارجی هم از نمایشگاه دیدن می‌کنند و همان لحظه به فکرم رسید که اگر کیف این افراد را سرقت کنم پول بیشتری گیرم می‌آید، چون می‌دانستم آنها همیشه همراه خودشان مقداری پول خارجی دارند.

چرا وحید را وارد باندتان کردید؟

او همیشه داخل نمایشگاه بود و قرار بود زاغ زنی کند و وقتی افراد خارجی از نمایشگاه دیدن می‌کنند، آنها را زیر نظر بگیرد و به ما خبر دهد تا در فرصت مناسب اقدام به سرقت کنیم.

فکر می‌کردید به این زودی دستگیر شوید؟

نه به این زودی. آن روز وحید گروه چینی را که از نمایشگاه بازدید کرده‌بودند، تعقیب کرد و وقتی از نمایشگاه بیرون آمدند، به من خبر داد و بعد هم به سراغ من آمد و سوار موتورش شدم. قرار بود قبل از اینکه سوار اتوبوس شوند، کیف یا موبایل آنها را سرقت کنیم و وقتی دیدیم دو نفرشان در حال گرفتن عکس سلفی بودند، اقدام به سرقت و با موتور فرار کردیم، اما وحید رانندگی‌اش حرفه‌ای نبود و حین فرار با چند خودرو برخورد کردیم و در نهایت هم زمین خوردیم و مجبور شدیم موتورسیکلت را رها کنیم تا گرفتار نشویم.

چقدر از آن سرقت گیرتان آمد؟

داخل کیف‌ها ۴۰۰ دلار همراه تعدادی مدارک هویتی و کاری بود و علاوه بر آن یک گوشی همراه سرقت کردیم که بعد از دستگیری تحویل پلیس دادیم.

بازکاوی چرایی رفتارهای پرخطر نوجوانان در شب چهارشنبه‌سوری در گفت‌وگو با دکتر محمدباقر راستی روانشناس

نوجوانان دنبال تأیید هستند

■ حسین فصیحی

همه ساله با رسیدن شب چهارشنبه‌سوری، نگرانی‌های بسیاری در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد. با وجود اینکه تلاش‌های بسیاری برای آگاهی‌بخشی به بدنه اجتماعی صورت می‌گیرد، با این حال با گذار از این شب پرخطر، آسیب‌ها همچنان به قوت خود باقی است که این موضوع را در گفت‌وگو با دکتر محمدباقر راستی، روانشناس بازکاوی کرده‌ایم.

شب چهارشنبه‌سوری همواره با آسیب‌های بسیاری مواجه است که بیشترین آسیب‌های جسمی آن متوجه گروه سنی نوجوان و جوان است. با وجود اینکه رسانه‌ها مدام درباره آسیب‌های روی داده در این شب هشدار می‌دهند، اما همچنان شاهد تکرار این حوادث هستیم. دلیل آن چیست؟

به باور من فاصله فرهنگی بچه‌های این دوره با فرهنگ بچه‌های دو یا سه دهه قبل خیلی متفاوت شده‌است. آن زمان هم این موضوعات مطرح بود، اما بچه‌ها حرف‌شنوی داشتند و اصول را رعایت می‌کردند. اتفاق‌های روی داده در آن زمان کار یک نوجوان نبود، بلکه عاملان حادثه بیشتر جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله بودند. تفاوت فرهنگی رخ داده این است که الان نوجوانان دست به رفتار پرخطر می‌زنند. اگر به ۲۰ سال قبل برگردیم، از یک یا دو ماه مانده به چهارشنبه‌سوری، جوانان شروع به ترکاندن ترقه و تبلیغ برای چهارشنبه‌سوری می‌کردند، اما الان به دلیل آموزش‌هایی که داده‌شده، فرهنگ‌سازی که صورت گرفته و مداخلاتی که خانواده‌ها صورت داده‌اند، این موضوع تا شب چهارشنبه‌سوری کنترل شده‌است. البته اتفاق ناگواری که در حال حاضر در حال بروز است، این است که شب چهارشنبه‌سوری، جوانان به میهمانی‌های خصوصی و پارتی‌هایی می‌روند که آنجا اتفاق‌هایی در حال بروز است که من روانشناس می‌گویم کاش اینها به جای دست زدن به این رفتار، همان ترقه‌بازی می‌کردند. در این پارتی‌ها اتفاق‌هایی روی می‌دهد که اصلاً صورت خوشی ندارد و با فرهنگ و اصول اخلاقی و شرعی ما اختلاف دارد و بروز آن به جامعه آسیب می‌زند. زمانی که جوان در این شب ترقه‌بازی و شادی می‌کرد، این رفتار با اینکه آسیب داشت، اما مقابل چشم همه بود، اما در حال حاضر آسیب‌هایی که در این شب به صورت پنهانی به جوانان وارد می‌شود، خاموش است.

این رفتارهای پنهانی به دلیل بیم از برخورد صورت می‌گیرد؟

بگذارید از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کنیم. متأسفانه خیلی از این جوانان به دلیل آموزش و تربیت بد در خانواده‌ها بسیار گستاخانه و از روی نادانی سراغ مسیر غلط می‌روند و از خانواده دور می‌شوند و زمانی هم که چرایی آن مورد پرسش قرار می‌گیرد، می‌گویند دنبال هیجان هستیم و می‌خواهیم لذت ببریم. آنها بر این باورند که همراه خانواده نمی‌توانند این لذت را تجربه کنند. به نظر من اگر خانواده‌ها تحت آموزش صحیح و منطقی قرار گیرند و در خانواده فضای سالم برای نشاط ایجاد شود، این معضلات روی نخواهد داد. این آموزش‌ها باید در فضاهای عمومی صورت گیرد و اگر تجربه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی نوجوانان مورد تحسین قرار گیرد، می‌شود این گروه سنی را از مسیر غلطی که دنبال می‌کنند بازگرداند. خانواده‌ها تصور نکنند اگر صدای ترقه‌ای بلند نمی‌شود، بچه‌ها کاری نمی‌کنند، چراکه ممکن است در خانه‌های دیگر دست به رفتارهای پرخطرتری بزنند. در حال حاضر هم به خاطر تلاش‌هایی که صورت گرفته‌است خیلی از خانواده‌ها این موضوع را جدی گرفته‌اند و کنترلشان روی فرزندان بیشتر شده‌است. مادری را می‌شناسم که پیش‌تر به بچه‌اش پول می‌داد تا برای خودش و مادرش مواد محترقه بخرد. خب این کار اشتباهی است. پدرانی هم که فضا را برای بچه‌ها باز می‌گذارند رفتار اشتباهی می‌کنند. ما فرهنگ اصیل داریم و باید براساس فرهنگ و آموزه‌های دینی و اخلاقی‌مان حرکت کنیم. در چنین فرهنگی خانواده‌ها اصلاً به فرزندان اجازه خطا نمی‌دهند و خطاهایشان را هم تأیید نمی‌کنند. به نظرم اگر آموزش خانواده‌ها قوی شود و مسئولان و رسانه‌ها بر همین منوالی که تبلیغات درست را دنبال می‌کنند، حرکت کنند نتایج خوبی حاصل خواهد شد.

شما بر آموزش تأکید دارید، با این حال فرایند آموزش شاخص‌های بسیاری دارد. آموزش مورد اشاره شما از سوی چه نهادی باید صورت گیرد، چراکه بسیاری از خانواده‌ها قصد نگهداشتن فرزندشان را در خانه دارند، اما مهارت آن را ندارند و نیازمند به حمایت آموزشی هستند، اما راهی ندارند.

یک مثال می‌زنم و بعد راهکار می‌دهم. در چند سال اخیر طرحی در برخی مدارس صورت می‌گیرد که کارشناسان درباره موضوع بلوغ با نوجوانان کلاس هشتم حرف می‌زنند. این مقطعی است که نوجوانان وارد سن بلوغ می‌شوند و ما درباره مشکلاتی که برایشان ایجاد می‌شود، صحبت می‌کنیم و به سؤالات آنها جواب می‌دهیم. این موضوع بسیار تأثیرگذار است، با این حال برخی نوجوانان از مطرح کردن مسائل برای خانواده‌هایشان خجالت می‌کشند. در این رویداد بچه‌ها با مواردی آشنا می‌شوند که برایشان سؤال بوده یا دچار خطا شده‌اند. این مثال را مطرح کردم که بگویم آموزش و پرورش بیشترین ارتباط را در سن بلوغ با نوجوانان دارد، بنابراین بیاییم کاری و طرحی ارائه کنیم که والدین یعنی پدر و مادر به این جلسات که با حضور متخصصان برگزار می‌شود، دعوت شوند، در این مباحث پلیس هم دعوت شود و درباره مسائل قانونی توضیح دهد. نقش پدر در خانواده بسیار مهم است، چراکه اوست که در خانه قانون را مشخص می‌کند. مادرها زورشان به نوجوانان نمی‌رسد، برای همین نقش پدر مهم است. در این جلسات روانشناس درباره آسیب‌های روانی و هیجانی حرف بزند و معلمان هم آموزش ببینند و هم این آموزش را به نوجوانان منتقل کنند. برایشان فیلم مستند افرادی که دچار سوختگی‌شده یا بازداشت شده‌اند، پخش کنند. البته شبکه مستند این موضوع‌ها را پخش می‌کند، اما بچه‌ها این شبکه را نگاه نمی‌کنند، چراکه مخاطب این شبکه نیستند یا علاقه ندارند. اگر این آموزش برای بچه‌ها و خانواده‌ها انجام شود، ممکن است در همان مقطع نتیجه نگیریم، اما قطعاً در بلندمدت نتیجه مثبت حاصل خواهد شد.

این گروه سنی چه شاخصه‌ای دارد که این گونه خود را در معرض خطر قرار می‌دهد؟

گروه نوجوانان کنترل هیجان برایشان سخت است، دلیلش هم نشناختن هیجان است. نمی‌دانند هیجان چیست و کجا باید خرجش کنند. موضوع دیگر اینکه بچه‌هایی که بزرگسال هستند، معمولاً هدفمندتر حرکت می‌کنند، خودشان برای خودشان اهدافی دارند که مثلاً دانشگاه می‌روند، صاحب شغل هستند و مواردی از این دست که برای خود برنامه‌ریزی می‌کنند. بچه‌های دوران ابتدایی را پدر و مادر برایشان تصمیم‌گیری می‌کنند. دوران نوجوانی از سن ۱۲،۱۰ سالگی تا ۱۶،۱۵ سالگی است که دوران خاصی را سپری می‌کنند و کنترل آنها سخت است. بچه‌ها خودشان را نمی‌شناسند و شخصیت، تفکر، ذهنیات و آسیب‌هایی را که ممکن است ببینند و اینکه جامعه چه خطرهایی دارد، درک نمی‌کنند. متأسفانه انگار این بچه‌ها در این سن خطر را نمی‌بینند و نمی‌شناسند و خطر برایشان بی‌معنی است، چون فقط آن لحظه را می‌بینید و اصلاً کاری به خطر و نتیجه ندارند. کاری به مثبت و منفی جریان ندارند و خوب و بد برایشان مهم نیست، فقط می‌خواهند از آن لذت ببرند. نوجوان دنبال لذتی است که نمی‌داند آن لذت چیست، بنابراین مهم است که والدین و کارشناسان و مسئولان کمک کنند تا این بچه‌ها هم درست عمل کنند و به خواسته‌شان برسند و هیجان درست و در مسیر درست آموزش داده‌شوند تا بچه‌ها از لحظات خود لذت ببرند و هم آسیب نبینند. این آموزش‌ها باید به آن آموزش‌هایی که در مدارس اشاره کردم، اضافه شود. منتها این آموزش‌ها همه ساله باید زودتر شروع شود. مثلاً از اوایل بهمن ماه هر سال شروع شود و تا نزدیک چهارشنبه‌سوری ادامه پیدا کند که اگر انجام شود و برنامه‌ریزی صورت گیرد، نتایج مثبت حاصل خواهد شد.

موضوع‌های آموزشی در بستر مجازی باید چگونه باشد؟

فضای مجازی هم روی مثبت دارد و هم منفی. صورت خوب آن این است که بچه‌ها آسیب‌ها را دیده و سراغ آن نرفته‌اند. خانواده‌ها هم که آسیب‌ها را دیده‌اند، مانع از رفتن فرزند خود به سمت خطر می‌شوند. آسیب بد هم این است که نوجوان موادی را پرتاب می‌کند که از صدای آن لذت ببرد. این فرد می‌خواهد هنگام آتش‌افروزی لایو بگذارد یا سلفی و عکس بگیرد. او می‌خواهد کاری انجام دهد که به دوستانش نشان دهد چه آدم شجاعی است. این یک سؤال در ذهن ما ایجاد می‌کند که نوجوان چرا این کار را می‌کند؟ پاسخ این است که او دنبال تأیید است، دنبال این است که دیده‌شود، دنبال این است که یک نفر کارش را ببیند و او را تأیید کند. این نوجوان ضعف دارد برای همین تأیید نشده‌است. اگر جاهای دیگری مثل ورزش یا فعالیت فرهنگی به او بها داده می‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد. بسیاری از بچه‌ها به دلیل بالا بودن هزینه‌های ورزشی و فرهنگی قادر به تأمین آن نیستند. همین‌طور ما فضای کمی برای ورزش خانم‌ها داریم برای همین نوجوانان باید حمایت شوند، چراکه همه وضع مالی خوبی ندارند. اینها ابزار حداقلی است که اگر برایشان فراهم شود، سراغ رفتارهای پرخطر نمی‌روند. جوانی که لایو می‌گذارد که بقیه دوستان و اقوامش ببینند و او را تأیید و تحسین کنند، این تأیید و تحسین را باید در قبال فعالیت‌های درسی، ورزشی و فرهنگی دریافت می‌کرد. موضوع مهم دیگر اینکه این فضاها باید سالم‌تر شود. امروزه خیلی از خانواده‌ها به خاطر اتفاق‌های ناگواری که برای نوجوانان در فضاهای فرهنگی و ورزشی روی می‌دهد، نگران هستند و فرزندان خود را به این محل‌ها نمی‌فرستند، برای همین باید این فضاها امن شود. اگر این حمایت‌ها شود، نتایج مثبت‌تری خواهیم گرفت. با این حال در شب چهارشنبه‌سوری برای همه آرزوی سلامتی داریم.

تصادف مرگبار قاتل پس از نجات از قصاص

■ آرمین بینا

اولیای دم قاتلی که پس از بخشش و آزادی در حادثه‌ای رانندگی فوت کرده‌بود، عامل مرگ او را بدون دریافت دیه بخشیدند.

تابستان سال ۸۷ به مأموران پلیس یکی از شهرستان‌های استان فارس خبر رسید دو مرد در یکی از خیابان‌ها درگیری خونینی را رقم زده‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل شدند و دریافتند این درگیری بین دو مرد جوان رخ داده و در جریان آن یکی از آنها به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

بدین ترتیب مأموران برای تحقیق به بیمارستان رفتند و متوجه شدند تلاش‌های تیم پزشکی برای نجات جان مرد زخمی به نام امین نتیجه‌ای نداده و وی بر اثر شدت ضربات چاقو به بدنش و خونریزی شدید به کام مرگ رفته‌است.

■ **راننده موتورسیکلت**

بررسی‌های مأموران نشان داد مقتول ساعتی قبل داخل خیابان در حال پارک کردن خودرویش بوده که با موتورسیکلتی که در آن نزدیکی پارک بوده برخورد می‌کند. همین موضوع باعث درگیری او با صاحب موتورسیکلت می‌شود و در نهایت هم با ضربات چاقوی او به قتل می‌رسد.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راننده موتورسیکلت را به نام ایمان تحت تعقیب قرار دادند و وی را شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به جرم خود اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «روز حادثه با موتورسیکلتم به بازار رفتم و موتورم را داخل خیابان پارک کردم و برای انجام کاری داخل مغازه‌ای رفتم. لحظاتی بعد وقتی به محل پارک موتورم برگشتم، دیدم خودروی پژویی وقتی در حال پارک خودرویش بوده با موتورم برخورد و آن را واژگون و به آن خسارت وارد کرده‌است. خیلی عصبانی شدم و منتظر ماندم تا راننده خودرو سراغ خودرویش آمد. ابتدا با هم مشاجره لفظی کردیم و وقتی درگیری ما بالا گرفت، چاقویم را از جیبم بیرون آوردم و خواستم او را بترسانمش، اما چاقو به بدنش اصابت کرد و او غرق در خون روی زمین افتاد. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم او را بترسانم، اما از ترس فرار کردم.

■ **بخشش**

متهم پس از اعتراف در دادگاه کیفری محاکمه شد و اولیای‌دم هم برای او درخواست قصاص دادند. قضات دادگاه، متهم را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند و رأی دادگاه هم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده شد.

متهم چند سال بعد پای چوبه دار حاضر شد، اما با التماس و گریه اولیای‌دم به او مهلت دادند. با اعلام مهلت اولیای‌دم تیم صلح و سازش وارد عمل و موفق شدند پس از چند جلسه صلح و سازش رضایت اولیای‌دم را جلب کنند. بدین ترتیب قاتل از طناب دار فاصله گرفت و مدتی قبل از زندان آزاد شد.

■ **تصادف مرگبار پس از آزادی**

در حالی که شش ماه از آزادی محکوم به قصاص با رضایت اولیای‌دم گذشته‌بود، به تیم صلح و سازش خبر رسید ایمان در تصادف مرگباری فوت کرده‌است.

بررسی‌ها نشان داد ایمان روز حادثه خانه عمه‌اش دعوت بوده و با موتورسیکلتش در حال رفتن به خانه عمه‌اش بوده که خودروی پرایدی از عقب با او تصادف می‌کند و باعث مرگ وی می‌شود. همچنین مشخص شد پس از این حادثه، راننده خودرو که تاریخ بیمه‌نامه خودرویش گذشته است، از ترس فرار می‌کند، اما مدتی بعد شناسایی و دستگیر می‌شود. تیم صلح و سازش دریافتند راننده خودرو به پرداخت دیه محکوم شده اما توان پرداخت دیه را ندارد و در زندان به سر می‌برد. سپس تیم صلح و سازش تصمیم گرفتند برای متهم از اولیای‌دم رضایت بگیرند. در نهایت اولیای‌دم اعلام کردند چون یک‌بار خودشان این حادثه را تجربه کرده‌اند و پسرشان سال‌ها در زندان بوده، اما اولیای‌دم او را بخشیده‌اند، آنها هم تصمیم گرفته‌اند عامل مرگ پسرشان را بدون دریافت دیه ببخشند. بدین ترتیب با اقدام خداپسندانه اولیای‌دم، راننده پراید هم از زندان آزاد شد.

بی‌احتیاطی خودروی عبوری جان فرمانده پلیس را گرفت

فرمانده پلیس‌راه سلسله و دلفان هنگام بررسی صحنه تصادف در محور خرم‌آباد به دلفان جان باخت.

سرهنگ محمد بوستان، فرمانده انتظامی شهرستان سلسله گفت: همزمان با وقوع تصادف زنجیره‌ای بین چند خودرو در منطقه گاوکش، سرهنگ عبدالرحمن حقیقی‌مقدم، فرمانده پلیس‌راه سلسله و دلفان، به همراه چند نفر از مأموران پلیس در محل حاضر شد. سرهنگ حقیقی‌مقدم در حال بررسی صحنه تصادف بود که در تصادف با یکی از خودروهای عبوری جانش را از دست داد.

همچنین میلاد حیدری، کارمند پلیس‌راه، دچار مصدومیت به بیمارستان منتقل شد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه کفشگر کلا پلاک ۲۵ اصلی بخش ۱۶

۱۹۲۰۲ فرعی بنام خانم مژگان محمودی نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۱۶.۴۹ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای مراد علی اکبری مالک رسمی

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها برأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدیدحدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

مرتضی قاسم پور -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم شهر

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ نوبت دوم ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ شناسه آگهی: ۱۶۷۷۰۹۵

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه دیوکلا پلاک ۵۸ اصلی بخش ۱۶

۸۱۷ فرعی بنام آقای پرویز عبدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۹۴۹ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای عارف عبدی مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها برأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدیدحدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

مرتضی قاسم پور -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم شهر

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ نوبت دوم ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ شناسه آگهی: ۱۶۷۷۰۸۰